

نقش مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی در کارایی نظام مالی کشور

جناب آقای دکتر رضا شیوا

رئیس هیات مدیره و مدیر عامل مؤسسه مالی و اتحادی بنیاد

«چکیده»

علیرغم نقش و اهمیت کارایی نظام مالی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی، متأسفانه بروز علایمی همچون کندی در اجابت خواسته مشتریان، کیفیت و کمیت نامناسب خدمات مالی و نیز بالا بودن هزینه‌های اطلاعاتی و معاملاتی، وجود نظام مالی کارآمد را در اقتصاد ایران مورد تردید جدی قرار می‌دهد. در این نوشته که قصد آن نمایان ساختن نقش مثبت مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی در کارایی نظام مالی کشور می‌باشد.

پس از تعریف نظام مالی کارآمد به شناسایی نقاط ضعف نظام مالی ایران، دلایل ناکارآمد بودن را مورد بررسی قرار داده و سپس به نقش مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی در افزایش کارایی این نظام از طریق نقش مثبت در تشکیل و تکمیل نظام مالی و همچنین افزایش رقابت در این نظام پرداخته و در آخر پیشنهاد در خصوص نحوه فعالیت این مؤسسات و برقراری شرایط لازم جهت شکل‌گیری رقابت سالم در نظام مالی کشور ارائه می‌گردد.

بخش اول: «آشنایی با نظام مالی و وضعیت آن در ایران»

۱-۱- تعریف نظام مالی و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی

برای تعریف نظام مالی (Financial system) ابتدا لازم است تعریفی از «نظام» و سپس نظام اقتصادی ارائه شود.

یک نظام (سیستم) را می‌توان به یک کل فعال شامل مجموعه‌ای از اجزاء که به گونه‌ای هماهنگ و

منسجم جهت تحقق اهداف مشخص با یکدیگر کنش و واکنش دارند، تعریف کرد.^۱ با استفاده از این تعریف و عقیده سومبارت^۲ (SOMBART) اقتصاددان برجسته آلمانی، نظام اقتصادی به مجموعه‌ای متشکل از دو نظام یا دو بخش مالی و واقعی (به عنوان زیر مجموعه‌های نظام اقتصادی) که هریک دارای ساختارها، نهادها و ضوابط خاص خود بوده و جهت تحقق اهداف مشخص اقتصادی باهم در ارتباط می‌باشند، گفته می‌شود.

بنابراین با توجه به این که بخش واقعی اقتصادی (REAL SECTOR ECONOMY) دربرگیرنده بازارهای کالا و خدمات و نیروی کار می‌باشد، نظام مالی را می‌توان به زیر مجموعه‌ای از نظام اقتصادی که شامل بازارهای پول، سرمایه، تنزیل، اوراق بهاءدار، ارز و بیمه بوده و در آن جریان وجوه اعتبارات و سرمایه با قوانین و ضوابط مشخص از طرف پس‌انداز کنندگان و صاحبان پول و سرمایه به طرف متقاضیان، با اهداف مشخص و معین وجود دارد، تعریف کرد. اما عرف اینست که نظام مالی را متشکل از دو بازار پول و سرمایه بدانیم. بدین ترتیب که در بازار پول، منابع برای مدت زمانی کوتاه و اغلب کمتر از یک سال و در بازار سرمایه، منابع برای مدت بیش از یک سال وام داده می‌شوند. این بازارها که افراد (حقیقی و حقوقی) با خرید و فروش وجوه اعم از اعتبارات بانکی، وجوه، اوراق بهاءدار و سهام در آن به تقابل عرضه و تقاضا می‌پردازند، در مقایسه با بازارهای فعال در بخش واقعی اقتصاد، وابستگی مکانی کمتر داشته و طیف وسیع آنها، بازارهای کوچک روستایی تا بازارهای بزرگ لندن، نیویورک و توکیو و... را شامل می‌شود.^۳

نقش و اهمیت نظام مالی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشورها، آن چنان است که صاحب‌نظران توسعه پایدار اقتصادی را بدون رشد و توسعه بازارهای مالی امکان‌پذیر نمی‌دانند. حتی بعضی از اقتصاددانان تفاوت اقتصادهای توسعه یافته و توسعه نیافته را در این نمی‌دانند که یکی تکنولوژی پیشرفته دارد ولی دیگر نه، بلکه معتقدند اقتصادهای دسته اول (توسعه یافته)، اقتصادهای مالی و اقتصادهای دسته دوم (توسعه نیافته) اقتصادهای غیرمالی می‌باشند.^۴

مطالعات دانشمندانی نظیر شومپتر (Schumpeter 1934)^۵ گرلی (Gurley 1967)^۶

۱- جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

غلامی رنای، محسن - "موانع کارایی بازار در اقتصاد ایران" - دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران - پایان نامه دکتری خرداد ۱۳۷۵ - ص ۷۰.

۲- سومبارت نظام اقتصادی را مجموعه یا ترکیب پیچیده‌ای از ساختارهای هماهنگ و همساز که با روابط نسبتاً پایداری با یکدیگر مربوط می‌شوند، تعریف می‌کند رجوع کنید به منبع شماره ۱ - ص ۲۷.

۳- شرکت سرمایه‌گذاری سازمان صنایع ملی ایران - "بازارهای مالی و سازمان‌های مالی غیربانکی در اقتصاد ایران" نشریه اطلاعات سیاسی، اقتصادی - شماره ۶۹/۷۰ - ص ۶۷.

۴- منبع شماره ۱ - ص ۱۸۲.

گلداسمیت (Gold Smith 1969)^۷ کامرون (Cameron 1972)^۸ ریبزنسکی (Rybczynsky 1985)^۹ و گراهام (Graham 1998)^{۱۰} به عنوان منتخبی از مطالعات گسترده انجام شده، بیانگر نقش و اهمیت قابل توجه نظام مالی در رشد و توسعه اقتصادی کشورهای می باشد. گلداسمیت بازارهای مالی را دارای نقش کلیدی در رشد اقتصادی دانسته و معتقد است تفاوت در کمیت و کمیت خدمات مالی ارائه شده، می تواند مهمی از تفاوت در نرخ رشد اقتصادی کشورها را توضیح دهد و ریبزنسکی کشورها را براساس درجه رشد و توسعه مؤسسات مالی، در فازهای سه گانه توسعه، تقسیم بندی می کند.

آنچه علاوه بر مطالب فوق قابل توجه خاص می باشد این که، هماهنگی و حرکت همپای دو زیر مجموعه نظام اقتصادی، یعنی بخش های مالی و واقعی از ضروریات، جهت نیل به رشد و توسعه اقتصادی پایدار می باشد این ضرورت، یعنی حرکت و رشد هماهنگ دو بخش مالی و واقعی (همانند دو چرخ یک دوچرخه) در تعریف ارائه شده از نظام اقتصادی مستتر بوده و نشانه ای از سلامت اقتصاد یک کشور می باشد به طوری که آثار این عدم توجه در بحران اقتصادی کشورهای جنوب شرق آسیا به خوبی قابل مشاهده است.^{۱۱}

اما دلایل نقش و اهمیت قابل توجه نظام مالی و حرکت همپایی آن با بخش واقعی اقتصاد چیست و چرا محصولات بازارهای مالی یعنی خدمات مالی را "تولید برتر" می دانیم؟ بدون شک پاسخ به سؤال فوق در هدف و وظایف نظام مالی نهفته است که در قسمت بعد به این موضوع می پردازیم.

۱-۲. هدف و وظایف نظام مالی:

۱-۲. الف - هدف:

با توجه به تعاریف ارائه شده از نظام اقتصادی و نظام مالی و هدفی که علم اقتصاد در نهایت به دنبال آن است (افزایش رفاه بشر)، هدف نظام مالی را می توان تخصیص بهینه منابع مالی جهت کمک به رشد اقتصادی و مالاً افزایش سطح رفاه عمومی دانست. این نظام همچنین در راستای تحقق هدف

6- Gurely - "Financial Structures In Developing Economics" - 1967.

7- Goldsmith - "Financial Structure & Development" - 1969.

8- Cameron - "Banking & Economic Development" - 1972.

9- Rybczynski - "Finacial System, Riski & Public Policy" - The Royal Bank Scotland Rewiew - Dec 1985.

10- Graham, Edward - "The Role of Competition Policy and Corporate Governacne" Managing Asian Financial Sector Recovery - 1998.

۱۱- نقطه اشتراک نظریات ارائه شده پیرامون دلیل بحران در این کشور، عدم رشد و حرکت همپای بخش مالی و واقعی اقتصاد، می باشد.

ارائه شده وظایفی را نیز برعهده دارد که اینک بدان می‌پردازیم.

۱-۲-ب- وظایف:

۱-۲-ب-۱- جذب و تجهیز پس اندازها، تخصیص منابع:

در بازارهای مالی، خرید و فروش وجوه، در نتیجه تقابل عرضه و تقاضا با حضور سه گروه پس انداز کنندگان، واسطه‌های مالی و وام گیرندگان (متقاضیان) انجام می‌پذیرد که هریک اهداف خاص خود را دنبال می‌کنند. از یک طرف (گروه اول) پس انداز کنندگان افرادی هستند که سرمایه و پول در اختیار داشته ولی نمی‌خواهند (یا نمی‌توانند) به صورت مستقیم اقدام به سرمایه گذاری نمایند، از طرفی دیگر افرادی وجود دارند که تمایل و توانایی فعالیت در بخش واقعی اقتصاد، یعنی تولید کالا و خدمات را داشته ولی امکانات مالی لازم را ندارند (گروه سوم) بدین ترتیب با وجود گروه دوم یعنی واسطه‌های مالی، سرمایه و پول از گروه اول جذب و تجهیز شده و با ضوابط و مقررات خاص در اختیار گروه سوم قرار می‌گیرد. بدین ترتیب خواسته و هدف پس انداز کنندگان، یعنی کسب سود از محل پول و سرمایه تحت مالکیت خود و جلوگیری از به اصطلاح "خواباندن پول" و هدف متقاضیان مبنی بر دریافت کمک‌های مالی جهت انجام طرح‌های مورد نظر و همچنین خواسته واسطه‌های مالی یعنی کسب درآمد و سود در نتیجه وساطت و انجام وظایفی که برعهده دارند، برآورده می‌شود. این وظیفه که در نهایت باعث تأمین مالی بخش واقعی اقتصاد می‌گردد و موجبات رشد و ترقی اقتصاد را فراهم می‌آورد، اصلی‌ترین وظیفه مالی می‌باشد و در حقیقت با عمل به این وظیفه، حیات را به بخش واقعی اقتصاد تزریق می‌کند. در این راستا و جهت تحقق هرچه بهتر اهداف مورد انتظار (از انجام وظیفه مذکور)، وظایف دیگری نیز برای نظام مالی متصور است که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۲-ب-۲- توزیع خطر و مدیریت ریسک:

وظیفه دیگری که علاوه بر تأمین مالی سرمایه گذاری‌ها برعهده نظام مالی می‌باشد، توزیع خطر و مدیریت ریسک می‌باشد. در بازارهای مالی اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه گذاری‌های تولیدی و خدماتی از طریق انتشار و توزیع اوراق بهادار از هم تفکیک شده و در واقع خطرات به پس انداز کنندگان که حاضر به پذیرش خطر با بازده منطقی و غیر مطمئن هستند منتقل و بین آنها توزیع می‌شود. همچنین این بازارها با مکانیزم‌های خاص خود، افراد را قادر به ایجاد تنوع^۱ در سرمایه گذاری کرده و از این طریق خطر کل را در نهایت کاهش می‌دهند. چراکه زیان بعضی از سرمایه گذاری‌ها با منافع حاصل از سرمایه گذاری‌های دیگر جبران می‌شود.^۲

۱- این عمل در اقتصاد به متنوع سازی (Diversification) معروف است.

۲- جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

۲-۱-۳- تعیین قیمت وجوه و سرمایه:

یکی از ملزومات جهت برنامه‌ریزی درست و تصمیم‌گیری کارآمد و در نتیجه فعالیت هدفمند و مبتنی بر اصول اقتصادی، داشتن اطلاع از قیمت واقعی وجوه و سرمایه‌های در اختیار بنگاه‌های اقتصادی می‌باشد. در حقیقت مدیران این بنگاه‌ها هنگامی قادر به اداره صحیح مجموعه زیر نظر خود خواهند بود که قیمت منابع مالی را به درستی بدانند. این قیمت به بهترین نحو از تقابل عرضه و تقاضا در بازارهای مالی (البته به شرط رقابتی بودن) به دست می‌آید.

۲-۱-۴- انتشار اطلاعات و تحلیل آنها:

وظیفه دیگر نظام مالی، یعنی انتشار اطلاعات و تحلیل آنها ناشی از این واقعیت است که قرض‌دهندگان معمولاً انتظار دارند بازده ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها، بتوانند ریسک آنها را جبران کند و از طرف دیگر قرض‌گیرندگان می‌خواهند مطمئن باشند که هزینه‌های مالی متحمل شده، یک هزینه منطقی می‌باشد. بنابراین در نظام مالی علایمی مثل ریسک سرمایه‌گذاری‌ها و نرخ بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاری‌ها به منظور جبران ریسک، از قرض‌گیرندگان و قرض‌دهندگان دریافت و تحلیل می‌شود.^۱

۲-۱-۵- تسهیل داد و ستدها:

تسهیل داد و ستدها و سرعت عمل در ارائه خدمات مالی یکی از وظایف مهم نظام مالی می‌باشد. مهمترین ابزاری که در این راستا مورد استفاده قرار می‌گیرد، علاوه بر انتشار اطلاعات و تحلیل آنها، مدیریت ریسک و توزیع خطر و تعیین درست قیمت وجوه و سرمایه که موجبات تصمیم‌گیری درست و به موقع فعالان بازارهای مالی را فراهم آورده و در نتیجه سرعت عمل را افزایش می‌دهد، کاهش بروکراسی و حذف مقررات زائد و دست و پاگیر می‌باشد که اهمیت عمل به این وظیفه در حقیقت ناشی از اهمیت و نقش متغیر "زمان" به عنوان عاملی سرنوشت ساز و تعیین کننده در فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد.

بنابراین با توجه به مطالب فوق و در نظر گرفتن اصل حداقل هزینه که یکی از شروط اصلی هر فعالیت اقتصادی می‌باشد، وظیفه اصلی نظام مالی را می‌توان تخصیص بهینه منابع مالی با حداقل هزینه‌های معاملاتی و اطلاعاتی از طریق جذب و تجهیز پس‌اندازها، تخصیص منابع، بهبود مدیریت ریسک و توزیع خطر، انتشار اطلاعات و تحلیل آنها، تعیین درست قیمت وجوه و سرمایه و نیز آسان

Robert O. Edmister. "Financial Institutions, Market & Management" Mc Grow Hill - Second Edition - 1986.

1- Dixon & Holmed - "Financial Market: An Introduction" - Chapman and hill - 1995.

نمودن دادوستدها دانست.^۱

۱-۳- خصوصیات نظام مالی کارآمد:

نظام مالی به عنوان مکمل بخش واقعی اقتصاد، هنگامی می‌تواند به درستی به ایفاء نقش بپردازد که کارآمد باشد و در غیر این صورت بخش واقعی نیز تحت تأثیر آن، ناکارآمد خواهد شد و به همین دلیل اقتصاددانان از جمله نئوکلاسیک‌ها، نظام مالی کارآمد را پیش فرض وجود بازارهای فعال و کارآمد در بخش واقعی اقتصاد می‌دانند.^۲

اکنون سؤالی که مطرح می‌شود اینست که نظام مالی کارا، چگونه نظامیست و چه خصوصیتی دارد؟ پاسخ به این سؤال مستلزم ارائه تعریفی از کارایی و بهره‌وری می‌باشد.

اگر بهره‌وری را تعبیر علمی^۳ آن انجام درست کار درست به طور مداوم^۴ تعریف کنیم کارایی به عنوان شرط لازم (نه کافی) در تحقق بهره‌وری^۵، انجام درست کار تعریف می‌شود. معیاری که جهت ارزیابی انجام درست کار و در نتیجه سنجش کارایی از سوی صاحب نظران از جمله هالس و همفری مطرح می‌شود، "سرعت" و "دقت عمل" است.^۶ بنابراین کارایی را سرعت و دقت عمل در کار انجام شده تعریف کرده و رعایت اصل حداقل هزینه ممکن (که همواره از خصوصیات یک کار اقتصادی می‌باشد)^۷

۱- در تنظیم مطالب این قسمت از دو مقاله ذیل نیز استفاده شده است.

کشتکار، مریم - نقش و وظایف بازارهای مالی در اقتصاد - نشریه بانک و اقتصاد - شماره ۱ - ص ۶۴ و ۶۵.

کازرونی، سید علیرضا - توسعه مالی و رشد اقتصادی - مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی - ص ۵۱۲.

۲- منبع شماره ۱ - ص ۱۸۲.

۳- از بهره‌وری با تعابیر مختلف، تعاریف گوناگونی ارائه می‌شود به عنوان مثال بهره‌وری را در تعبیر فلسفی، مقایسه کلیه ارزش‌های ایجاد شده توسط سیستم (مادی، غیرمادی)، با کلیه ارزش به کار گرفته شده توسط سیستم (مادی و غیرمادی) در گستره زمان تعریف کرده‌اند. جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

شکری، مصطفی - بهره‌وری و توسعه صنعتی، نگرشی نظام‌گرا - نشریه تدبیر - شماره ۷۳ - تیرماه ۱۳۷۶ - ص ۴۳.

۴- همان، ص ۴۳.

۵- باید توجه کرد که بهره‌وری و کارایی یکی نیستند. بلکه در بهره‌وری علاوه بر انجام درست کار، "کار درست" نیز مطرح است. کارایی در حقیقت به اثربخشی سیستم است در حالی که بهره‌وری در واقع نیاز به تعیین رسالت، اهداف و استراتژی یک سیستم دارد. جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به:

منبع شماره - ۱۷ ص ۴۳.

حقی، محمدعلی - بهره‌وری و عوامل مؤثر در افزایش بهره‌وری بنگاه‌ها - نشریه صنعت و مطبوعات - تیر ۱۳۷۷ ص ۱۰.

۶- هالس، فایانا و همفری، جاز - بهبود بهره‌وری و فواید آن - ترجمه هوردخت دانش و سهراب خلیلی شورینی - انتشارات فیروزه - ۱۳۷۶ - ص ۵۱.

۷- یکی از خصوصیات کارایی بازار را در این می‌دانند که همان مجموعه (محصول بازار) را نتوان با هزینه کمتری به

را در تحقق کارایی ضروری می‌دانیم. براین اساس و با توجه به وظایف نظام مالی که قبلاً بدان پرداخته شد، نظام مالی کارآمد را می‌توان نظامی دانست که در عمل به وظایف خود، از سرعت و دقت عمل لازم و حداقل هزینه ممکن برخوردار باشد. اکنون با شناخت مصادیق شروط مطرح شده جهت تحقق کارایی در وظایف نظام مالی، می‌توان خصوصیات یک نظام کارآمد مالی را به صورت ذیل برشمرد.

در این نظام:

۱- جذب و تجهیز پس‌اندازها و تخصیص منابع با حداقل هزینه معاملاتی (Transaction cost) و حداکثر سرعت ممکن انجام می‌شود و همچنین در ارائه خدمات مالی هیچگونه تبعیض بین متقاضیان وجود نداشته و انتقال ثروت (Transfer of wealth) بین زمان‌ها و افراد مختلف به سهولت انجام می‌پذیرد.^۱

۲- ریسک‌های موجود، ریسک‌های غیرسیستماتیک (Non-Systematic Risks) و در نتیجه قابل توزیع بوده و ریسک‌های سیستماتیک (Systematic Risks) یعنی ریسک‌های سیاسی (Political risks) و ریسک‌های حقوقی (Legal Risks) که قابل پخش نمی‌باشند، وجود ندارد. چرا که افزایش ریسک‌های سیستماتیک باعث بالا رفتن بازده مورد تقاضای سرمایه‌گذاران شده و خالص ارزش کنونی (Net Present Value) طرح‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را کاهش داده و باعث عملکرد غیر بهینه بازار خواهند شد. همچنین ارتباط نرخ‌های بازدهی و ریسک منطقی بوده و با هم همگرایی دارند.^۲

۳- اطلاعات مورد نیاز به طور شفاف و عادلانه با حداقل هزینه در دسترس متقاضیان قرار گرفته و اطلاعات محرمانه (Inside Information) وجود ندارد.^۳ تمام اطلاعات موجود بوده و هیچ کس نمی‌تواند به علت در اختیار داشتن اطلاعات خاصی (که دیگران ندارند)، سود بیشتری بدست آورد.^۴

۴- قیمت وجوه به درستی تعیین می‌شود. یعنی با وجود شرایط مناسب (شرایط رقابت) و از تقابل عرضه و تقاضای وجوه، قیمت‌های تعیین شده، درست بوده و تخریب شده (Distort) و چسبیده (Sticky) نمی‌باشند. بدین ترتیب از اعلام قیمت‌های مصنوعی که باعث ترتیب دهی مجدد پورتفولیو (Rearrangement Portfolio) به صورت غیربازاری می‌گردد، جلوگیری می‌شود.^۵

روش دیگر تولید کرد (رجوع کنید به منبع شماره ۱ - ص ۹۵).

۱- پوریان، حیدر و شیوا، رضا - توالی بهینه و پیش‌گیری از بحران‌های مالی در اعمال سیاست‌های آزادسازی و اصلاحات مالی - سازمان برنامه و بودجه - ص ۴. همان - ص ۴.

۳- همان - ص ۵

۴- نقش اطلاعات در کارایی نظام مالی به تفصیل در نظریه بازارهای کارا مورد بحث قرار می‌گیرد. در این خصوص رجوع کنید به:

ختایی، محمود - گسترش بازارهای مالی و رشد اقتصادی - مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی سال ۱۳۷۸ - ص ۴۸ و

۵- منبع شماره ۲۲ - ص ۵

۵- خدمات مالی از تعدد و تنوع کافی برخوردار بوده و به اصطلاح به صورت کامل ارائه می‌شود. بنابراین به طور خلاصه در نظام مالی کارآمد، خدمات مالی با دقت و سرعت عمل و حداقل هزینه ارائه شده و انتظارات متقاضیان در بهترین حالت ممکن تحقق می‌یابد.

۴-۱- نهادهای مالی:

نظام مالی جهت عمل به وظایف خود نیازمند ایجاد ساز و کارهای مناسب می‌باشد. از این نظر نهادهای مالی به عنوان بازوهای اجرایی این نظام که نقش واسطه بین پس‌اندازکنندگان و متقاضیان را ایفاء می‌کنند، در تحقق اهداف نظام مالی و خصوص کارایی در آن نقش اساسی دارند. این سازمان‌ها که طبق تعریف سیستم حساب‌های مالی سازمان ملل، بین قرض‌دهندگان و قرض‌گیرندگان وجوه مالی، رابطه پولی ایجاد می‌کنند،^۱ با فعالیت خود، هزینه‌های مبادلات را کاهش می‌دهند، وام‌های بلندمدت را از محل وام‌های کوتاه مدت (سپرده‌گذاران در بانک) تجهیز کرده و از طریق ادغام تعداد زیادی وام، ریسک وام‌دهندگان کوچک (سپرده‌گذاران در بانک) را کاهش می‌دهند.^۲ به‌طور خلاصه می‌توان گفت که بار وظایف نظام مالی بردوش این مؤسسات می‌باشد آنها در خصوص مهمترین مسایل بنگاه‌های تولیدی و خدماتی تصمیم‌گیری می‌کنند (مسایل همچون دوام یا انحلال مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی، تغییر مدیریت، مقدار تولید و...) بدین جهت امروزه بازیگران فعال (و شاید مسلط) عرصه‌های تولید و خدمات می‌باشند.^۳ این نهادها براساس نوع خدمتی که ارائه می‌دهند به گروه‌های مختلف تقسیم می‌شوند.

همان‌گونه که نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد، در حالت کلی مؤسسات مالی را می‌توان به چهار گروه تقسیم نمود. بدین ترتیب که:

گروه اول: نهادهای مالی بانکی: شامل بانک‌های تجاری، تخصصی و تهاتری.

گروه دوم: نهادهای مالی غیربانکی: شامل مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی، صرافی‌ها و صندوق‌های پس‌انداز و وام.

گروه سوم: نهادهای مالی قراردادی: شامل شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی و سازمان تأمین اجتماعی.

گروه چهارم: نهادهای مالی اوراق بهادار: شامل کارگزاریها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، مؤسسات رتبه دهنده، معامله‌گران، بازار سازها و کارسازها.

1- United Nation - "System Of National Accounts" - 1993.

۲- منبع شماره ۲۵ - ص ۴۲.

۳- ختایی، محمود و خاوری نژاد، ابوالفضل - "گسترش بازارهای مالی و رشد اقتصادی" - مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی - ص ۴۵۳.

لازم به توضیح است که هریک از مؤسسات مذکور در گروه‌های فوق‌الذکر خود با چندین نوع مختلف و با عناوین مختلف به فعالیت مشغول می‌باشند. به عنوان مثال و جهت آشنایی بیشتر به تعدادی از آنها که در کشورهای صنعتی جهان همچون انگلیس، آلمان و آمریکا وجود دارند اشاره می‌شود:

مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی: مؤسسات اعتباری مصرفی (Consumer Credit institutions) مؤسسات اعتباری مسکن (Building Credit institutions)، مؤسسات اعتباری شبیه بانک (Bank-Like Institutions) و مؤسسات قبول سپرده (Deposit accepting institutions)

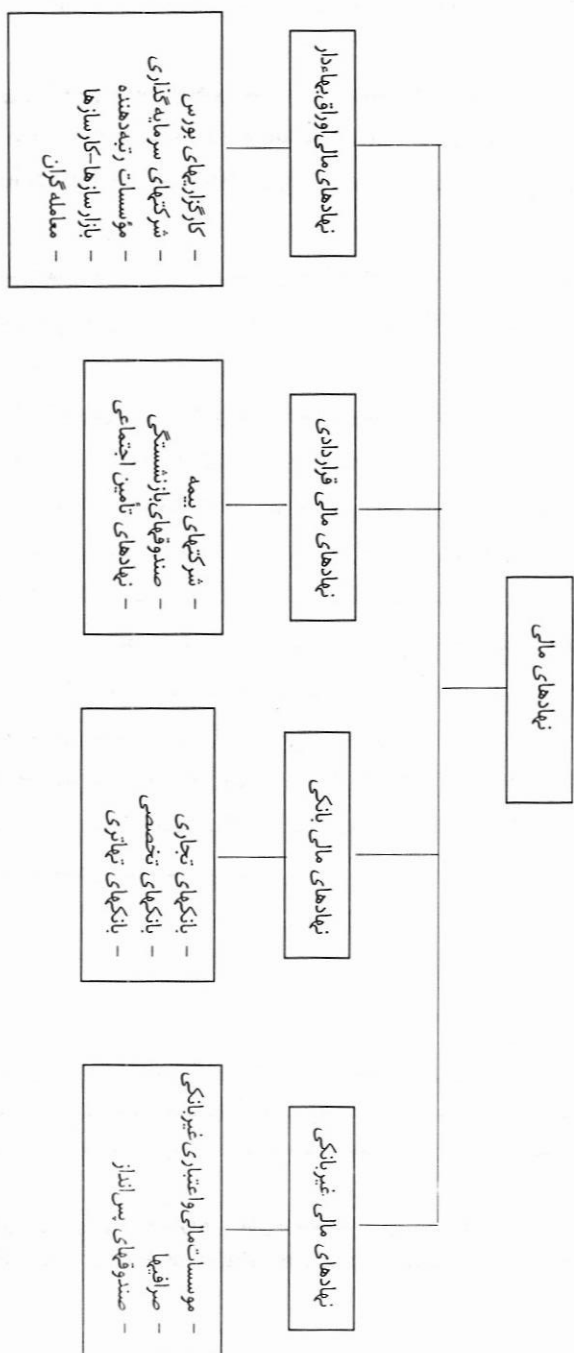
صندوق‌های پس‌انداز: صندوق امور خیریه (Charity's funds)، صندوق‌های توریستی (Tourist funds)، صندوق‌های پناهندگان (Refugees Funds) و صندوق‌های پس‌انداز و وام (Saving and loan funds).

شرکت‌های سرمایه‌گذاری: شرکت‌های سرمایه‌گذاری بسته (Close-end Companies)، شرکت‌های سرمایه‌گذاری بازی^۱ (Open-end Companies) شرکت‌های سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار (Securities Capital Companies) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری در سهام (Unit Trust). لازم به توضیح است نوع بازاری که این مؤسسات در آن فعال می‌باشند (بازار پول یا سرمایه) با توجه به نوع خدمات مالی ارائه شده توسط آنها متفاوت بوده و استاندارد مشخصی در این خصوص وجود ندارد. لیکن معمولاً نهادهای مالی اوراق بهادار و قراردادی را متعلق به بازار سرمایه، صندوق‌های پس‌انداز و صرافی‌ها را متعلق به بازار پول و مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی و گروه بانک‌ها را به عنوان مؤسساتی که در هر دو بازار وارد می‌شوند، می‌دانند. البته در این خصوص نیز اتفاق نظر کلی وجود ندارد. به عنوان مثال استراترز (Struthers) و اسپایت (Speight)، شرکت‌های بیمه را متعلق به بازار پول می‌دانند و معتقد هستند که این شرکت‌ها وارد بازار پول یا بازار مالی کوتاه مدت شده اما قابلیت بلندمدت خود را حفظ می‌کنند.^۲

۱- شرکت‌های سرمایه‌گذاری باز برای خرید سهام از دارندگان، در هر حجم و هر زمان که مایل باشند آمادگی دارند و در صورت تمایل سهام تحت مالکیت خود را به سرمایه‌گذاران می‌فروشند. تعداد سهامی که این قبیل شرکت‌ها منتشر می‌کنند ثابت نیست. درحالی‌که شرکت‌های سرمایه‌گذاری بسته تعداد سهام ثابتی را منتشر می‌کند و دارای سرمایه ثابتی هستند. رجوع کنید به:

مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی - "کارکردها و نقش مؤسسات اعتباری غیربانکی در ایران" - ص ۳.

2- Struthers and Speight - "Money - Institution Theory and Policy" - London - 1986.



۵-۱- وضعیت نظام مالی ایران:

۵-۱- طبقه‌بندی نهادهای مالی ایران: نهادهای مالی فعال در ایران براساس طبقه‌بندی قسمت قبل در گروه‌های مختلف قابل تقسیم می‌باشند.

الف - گروه نهادهای مالی بانکی: بانک‌های تجاری شامل بانک‌های ملی، صادرات، تجارت، سپه، ملت و توسعه صادرات ایران و بانک‌های تخصصی شامل بانک‌های مسکن، کشاورزی و رفاه کارگران (که فعالیت تجاری دارند) و بانک صنعت و معدن. ضمن این‌که بانک‌های تهرانی در ایران وجود ندارند.

ب - گروه نهادهای مالی غیربانکی:

ب - ۱- مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی: هم‌اکنون ۳ مؤسسه از این گروه در کشور فعال بوده و گویا به زودی یک مؤسسه دیگر نیز به این جمع اضافه خواهد شد.^۱ این مؤسسات عبارتند از مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد (سال تأسیس ۱۳۶۴)، مؤسسه اعتباری امین (این مؤسسه که در سال ۱۳۷۳، تأسیس شده از سال ۱۳۷۷ در گروه صندوق‌های قرض الحسنه قرار گرفته است) و مؤسسه اعتباری توسعه صنعت ساختمان (سال تأسیس ۱۳۷۶).

ب - ۲- صندوق‌های پس‌انداز: از این نوع مؤسسات با نام صندوق‌های قرض الحسنه تعداد زیادی در کشور فعال می‌باشند.^۲ از بزرگترین آنها می‌توان به سازمان اقتصاد اسلامی و صندوق‌ها و مؤسسات پس‌انداز قرض الحسنه بسیجیان، انصار المجاهدین و جاوید اشاره کرد.

ب - ۳- صرافی‌ها: تعداد زیادی از این نوع مؤسسات در کشور وجود دارند (به خصوص در تهران).
ج - گروه نهادهای مالی قراردادی: هر سه نوع مؤسسات فعال این گروه در کشور موجود می‌باشند که عبارتند از: صندوق بازنشستگی کشور، سازمان تأمین اجتماعی و شرکت‌های بیمه (ایران، آسیا، البرز، دانا، شرکت بیمه صادرات و سرمایه‌گذاری و صندوق ضمانت صادرات).

د - گروه نهادهای مالی اوراق بهادار: از این گروه شرکت‌های سرمایه‌گذاری (همچون شرکت سرمایه‌گذاری بانک ملی ایران، شرکت سرمایه‌گذاری ملی ایران، شرکت سرمایه‌گذاری غدیر و...) و کارگزاری‌های بورس به تعداد زیادی وجود دارند. اما مؤسسات دیگری همچون مؤسسات رتبه‌دهنده، معامله‌گران و بازارسازها موجود نمی‌باشند.

۱- این مؤسسه، سامان اقتصاد نام داشته و پس از اخذ مجوز از بانک مرکزی، در مرحله پذیره‌نویسی سهام قرار دارد.

۲- تعداد این صندوق‌ها طبق اطلاعات ارائه شده در اولین سمینار مسئولین صندوق‌های قرض الحسنه در اواخر سال ۱۳۶۷، بالغ بر ۳۰۰۰ واحد بوده است.

۱-۵-۲- بررسی کارایی در نظام مالی کشور:^۱

عیرغم اهمیت بسیار زیاد کارایی نظام مالی در رشد و توسعه اقتصادی کشور، متأسفانه وضعیت موجود بیانگر انطباق خصوصیات این نظام با شرایط یک نظام مالی کارآمد نبوده و بدین جهت کارایی آن مورد تردید جدی قرار می‌گیرد.

در نظام مالی ایران:

الف - جذب و تجهیز پس‌اندازها و تخصیص منابع فاقد سرعت ودقت لازم بوده و هزینه‌های معاملاتی بالا می‌باشد. همچنین اصل عدم تبعیض بین متقاضیان رعایت نشده و انتقال ثروت به سهولت انجام نمی‌پذیرد. از یک سو جمعیت از حدود ۳۰ میلیون نفر در سال ۱۳۵۷، به بیش از ۶۰ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده و از سوی دیگر نقدینگی و حجم اسکناس و مسکوک به شدت رشد کرده است. به طوری که طبق آخرین اطلاعات، نقدینگی در پایان سال ۱۳۷۷ با حدود ۱۶۸,۰۰۰ میلیارد ریال^۲ نسبت به سال ۱۳۵۷ (۲,۵۷۸ میلیارد ریال)، بیش از ۶,۴۰۰ درصد رشد و نسبت به سال ۱۳۷۴ (۸۵,۰۷۲/۲ میلیارد ریال)، حدود ۱۰۰٪ رشد داشته است. حجم اسکناس و مسکوک نیز از ۹۱۹ میلیارد ریال در ۱۳۵۷ به ۱۱,۸۶۱/۴ میلیارد ریال (بار شدی معادل ۱,۱۹۰ درصد) در سال ۱۳۷۵ رسیده است. در حالی که به تناسب این افزایش در تعداد جمعیت و نقدینگی و حجم اسکناس و مسکوک، شبکه بانکی رشد نداشته و منابع به خوبی جذب نشده است. ضمن این که ساده‌ترین خدمات مالی و بانکی را نیز با کندی کار و اتلاف وقت و نارضایتی مردم مواجه ساخته است. در تخصیص منابع نیز وجود محدودیت‌های نظیر تبصره‌های تکلیفی مصوب مجلس شورای اسلامی، وضع سقف‌های اعتباری و نظام تخصیص ارز، عملکرد سیستم رادچار مشکل کرده و مانع از تخصیص بهینه منابع شده است.^۳ در طی سال‌های گذشته بدهی بخش دولتی به نظام بانکی از ۱,۴۳۵/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۵۵,۰۶۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۴ و تقریباً ۱۱۲,۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۷^۴ رسید که نسبت به سال ۱۳۷۶، ۳۹ درصد رشد داشته است. بدهی بخش غیردولتی نیز در طی سال‌ها از ۲,۵۷۷/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ به ۷۵,۸۵۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۶ رسیده است. به این ترتیب با افزایش سهم بخشی دولتی در اعتبارات نظام بانکی، به همان نسبت از امکانات مالی که می‌توانسته در اختیار بخش غیردولتی باشد، کاسته و در نتیجه این بخش جهت تأمین مالی خود به بازارهای غیررسمی مراجعه و منابع مالی را با هزینه بیشتری در اختیار می‌گیرد.^۵

۱- کلیه اطلاعات آماری این قسمت به استثناء آمارهای مربوط به سال ۱۳۷۷ از منبع ذیل استخراج شده است:

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - گزارش اقتصادی و ترازنامه - سال‌های مختلف.

۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی - گزارش تحلیلی اقتصاد کشور در سال ۱۳۷۷ - ص ۵.

۳- منبع شماره ۲۵ - ص ۱۱۹.

۴- منبع شماره ۳۵ - ص ۵.

۵- منبع شماره ۳۶ - ص ۱۱۹.

ب - خدمات مالی ارائه شده از تعداد و تنوع کافی برخوردار نمی باشند در حالی که در این نظام بعضی از خدمات مالی (به خصوص در بازار سرمایه) مثل خدمات بازار سازها و معامله گران اصلاً ارائه نمی شود، تمام عقود اسلامی نیز جهت اعطای تسهیلات مورد توجه قرار نمی گیرند. بلکه بانکها به دلیل فقدان تخصص کافی در تمامی این عقود و مشکلات متعددی که با آن دست به گریبان هستند، ترجیح می دهند که بیشتر در قالب عقود کوتاه مدت مثل فروش اقساطی، تسهیلات پرداخت کننده و در نتیجه اقتصاد کشور از منافع و مزایای سایر عقود اسلامی به قدر کافی برخوردار نمی گردد. لازم به توضیح است که در طی سال های ۷۴-۱۳۶۳، ۴۳ درصد از کل تسهیلات اعطایی نظام بانکی در قالب فروش اقساطی بوده است، این سهم در سال ۱۳۷۶ به ۵۶ درصد رسیده است.

ج - اطلاعات ناهماهنگ و گران بوده و عادلانه توزیع نمی شود (در بسیاری از مواقع غیرقابل دسترس می باشند) بدین جهت امکان کسب سودهای قابل ملاحظه ناشی از آربیتراژ اطلاعات را در بازارهای مالی، به خصوص بازار سهام فراهم ساخته است.^۱

د - با توجه به ضعف در نظام اطلاع رسانی و همچنین فقدان شرایط مناسب (شرایط رقابت) جهت تقابل عرضه و تقاضای وجوه، قیمت ها به درتس تعیین نمی شوند و در نتیجه قیمت دارائی ها از جمله سهام، منعکس کننده ارزش حال درآمدهای آتی نمی باشد.

و - توزیع خطر و مدیریت ریسک به دلایل مختلف همچون وجود ریسک های سیستماتیک (در نتیجه دخالت سیاستمداران و ملاحظات سیاسی در تخصیص منابع)، ضعف های سازمانی و اداری و فقدان تخصص کافی به طور مناسب صورت نمی پذیرد.

بنابراین با توجه به مطالب فوق و همچنین منظور داشتن مشکلات و نقاط ضعف این نظام که ذیلاً به اهم آنها اشاره می شود، می توان گفت نظام مالی ایران کارا نبوده و در مسیر حرکت خود به سمت نظام مالی کارآمد می بایستی به نوعی مشکلات و نقاط ضعف ذیل را برطرف نماید:

- ۱- عدم استقلال بانک مرکزی. ۲- دولتی بودن نظام بانکی و فقدان شرایط رقابت. ۳- عدم کنترل و نظارت بانک مرکزی بر فعالیت صندوق های قرض الحسنه. ۴- وجود تسهیلات تکلیفی و اعطای تسهیلات به بخش دولتی بدون توجه اقتصادی و تبعیض بین بخش های دولتی و غیردولتی در ارائه تسهیلات. ۵- فقدان اهرم های جذب مناسب منابع مالی. ۶- ضعف در سیستم های آموزش به نیروی انسانی. ۷- هزینه زیاد عرضه امکانات مالی. ۸- ناکارایی بودن بسیاری از تکنیک های مالی موجود. ۹- عدم امکانات و انعطاف پذیری در پاسخ گویی به تقاضا. ۱۰- نارسایی قوانین و مقررات موجود. ۱۱- فقدان تعدد و تنوع کافی در خدمات مالی و همچنین مؤسسات مالی و اعتباری. ۱۲- سطح محدود فعالیت های نهادهای اوراق بهادار. ۱۳- عدم انگیزه کافی در نیروی انسانی شاغل در نظام بانکی. ۱۴-

کندی در اجابت خواسته‌های مشتریان. ۱۵- سازمان‌های عریض و طویل. ۱۶- عدم تشکیل بازارهای مالی. ۱۷- عدم استقرار بازار اوراق قرضه (اوراق مشارکت). ۱۸- بروکراسی زاید اداری. ۱۹- عدم انتشار به موقع، شفاف و عادلانه اطلاعات. ۲۰- فعال نبودن بازار تنزیل (علیرغم وجود تعداد زیادی صرافی). ۲۱- فقدان مؤسسات مالی متوسط.

توجه به موارد فوق نمایانگر وجود مشکلات عمده‌ای همچون عدم استقلال بانک مرکزی، عدم تشکیل بازارهای مالی، دولتی بودن نظام بانکی و فقدان شرایط رقابت و همچنین فقدان تعدد و تنوع کافی در مؤسسات مالی و اعتباری (که این مشکلات، وجود موانع و نقاط ضعف دیگری را باعث می‌شوند) در نظام مالی کشور می‌باشد. در نتیجه این بخش حتی نتوانسته همگام با رشد اقتصادی (نه چندان در خور توجه) سال‌های اخیر حرکت کرده و در فرآیند رشد و انباشت و توزیع بهینه سرمایه و منابع مالی به وظیفه خود عمل نماید.^۱ در این میان به نظر می‌رسد مهمترین مشکل نظام مالی کشور فقدان رقابت ناشی از دولتی بودن نظام بانکی و انحصارات قانونی و محدودیت‌های موجود و در حالت کلی فراهم نبودن شرایط مناسب جهت رقابت می‌باشد، چراکه بسیاری از مشکلات نظام مالی ناشی از همین مشکل عمده می‌باشند از جمله این مشکلات می‌توان به فقدان اهرم‌های جذب مناسب منابع، هزینه زیاد عرضه امکانات مالی، وجود تسهیلات تکلیفی، ناکارایی بسیاری از تکنیک‌های مالی، عدم امکانات و انعطاف‌پذیری در پاسخ‌گویی به مشتری (تقاضا)، عدم انگیزه کافی در نیروهای انسانی شاغل، کندی در اجابت خواسته‌های مشتریان و سازمان‌های عریض و طویل، اشاره نمود.

بخش دوم: «مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی و نقش آنها در کارایی نظام مالی کشور»

در بخش اول، علاوه بر آشنائی با نظام مالی و اهمیت کارآمد بودن آن و همچنین بیان مطالبی پیرامون فقدان کارایی در نظام مالی کشور، مؤسسات مالی (نهادهای مالی) نیز به عنوان واسطه‌های وجوه و بازوهای اجرایی نظام معرفی و طبقه‌بندی شدند. آنچه در این بخش مورد توجه قرار می‌گیرد، آشنائی با مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی و نقش آنها در کارایی نظام مالی کشور می‌باشد.

۱-۲- مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی: گذشته، حال و آینده

مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی، مؤسساتی هستند که به عنوان واسطه وجوه در بازارهای مالی به فعالیت پرداخته و هرچند خدمات آنها در بسیاری از زمینه‌ها شبیه خدمات ارائه شده توسط بانک‌ها می‌باشد، ولی آنها بانک نیستند. میزان تفاوت این مؤسسات با بانک‌ها از نظر نوع خدمات و همچنین

درجه آزادی و گستره فعالیت آنها در تمام کشورها یکسان نبوده و تابع شرایط و قوانین خاص هر کشور می باشد. اما عمده ترین تفاوت آنها که براساس تعریف صندوق بین المللی پول^۱ در کشورهای مختلف مشترک می باشد، اینست که تعهدات این مؤسسات به عنوان وسیله پرداخت در اقتصاد قبابین قبول نیست و در نتیجه درجه اعتماد عمومی نسبت به این مؤسسات معمولاً کمتر از درجه اعتماد به بانکها می باشد. در ایران این مؤسسات در صورت اخذ مجوز از بانک مرکزی، فعالیتی شبیه بانکها داشته و فقط مجاز به افتتاح حساب جاری نمی باشند ولی در کشوری همچون نیوزلند پس از آزادسازی سال ۱۹۸۶، هیچ تفاوتی بین این مؤسسات و بانک در نحوه فعالیت وجود نداشته و تنها انگیزه ای که محرک مؤسسات مالی جهت به ثبت رسیدن با نام بانک و قرار گرفتن در سیستم های کنترلی و نظارت بانک مرکزی است، اطمینان مردم نسبت به بانکها می باشد.^۲

شروع فعالیت این مؤسسات را شاید بتوان از تأسیس و فعالیت انجمن های ساختمان (Building Societies) در انگلستان همزمان با انقلاب صنعتی، دانست. این انجمن ها اولاً محلی امن برای پس انداز مشتریان به خصوص در شهرهای جدید و ثانیاً با قبول مشارکت متقابل، تأمین ساخت و خرید خانه آنها را به عهده می گرفت. انجمن های پس انداز و وام (Saving and loan Association) که بعداً در امریکا تأسیس شدند^۳

نیز از همین نوع می باشند. در طی زمان و با گسترش تقاضای خدمات مالی این مؤسسات به تعداد بسیاری زیادی و با نام های مختلف و فعالیت های متنوع در کشورهای مختلف جهان شکل و قوف گرفته و حتی در کشورهای توسعه یافته به رقیب جدی بانکها تبدیل شده اند.

در ایالات متحده امریکا، بیش از ۲۵٪ سهم سپرده های عمومی در اختیار این مؤسسات می باشد.^۴ در ژاپن و در طی دو ماهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ سهم این مؤسسات در تأمین مالی سرمایه گذاری با ۵۵/۶ و ۶۳/۲ درصد GDP حتی بیشتر از بانکها (با سهم ۵۱/۴ درصد و ۵۰/۷ درصد GDP) بوده است.^۵ در انگلستان بیش از ۲۵۰ مؤسسه مالی و اعتباری غیربانکی فعال می باشند^۶ و سهمی برابر ۱۳/۴ درصد GDP^۷ در تأمین مالی سرمایه گذاری ها در خلال سال های دهه ۱۹۸۰ داشته اند. در کشورهای

1- International Monetary Fund - "A Guide To Money & Banking Statistics in International Financial Statistics" - December 1984.

2- Grimes. Arthur - "The Role Of Competition Policy And Corporate Governance" - Managing Asia's Financia Sector Recove - 1998.

۳- مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد - بررسی وضعیت مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد از ابتداء تا پایان سال ۱۳۷۷ - ص ۷.

۴- همان، ص ۸.

۵- آقامیرکلایی، لایلا - نقش مؤسسات اعتباری غیربانکی در بازار سرمایه - پایان نامه کارشناسی ارشد - دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران - شهریور ۱۳۷۵ - (نقل از نشریه نشنال وست منیستر، فوریه ۱۹۸۶ - ص ۵۵).

۶- منبع شماره ۴۵ - ص ۵۵.

۷- منبع شماره ۴۳ - ص ۷.

آفریقایی غنا، مالاوی، نیجریه و تانزانیا در سال ۱۹۹۳، به ترتیب ۹۰، ۷۰، ۶۴ و ۵۹ مؤسسه مالی و اعتباری غیربانکی وجود داشته است.^۱

با موج فراگیر گسترش این مؤسسات، امروزه پاسخ به این پرسش که آیا بانک‌ها قادر به رقابت و دوام در مقابل این مؤسسات خواهند بود؟ یکی از مباحث داغ و پرطرفدار در محافل اقتصادی و پولی و مالی می‌باشد. مجله اکونومیست می‌نویسد:

«همه در دنیا به دنبال جلب سرمایه هستند. وسیله عمده جابه‌جایی سرمایه تاکنون بانک‌ها بوده‌اند. اما... صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سپرده‌گذاران را وسوسه می‌کنند و مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی در اعطای اعتبارات آخرین حرف را می‌زنند. بسیاری از چیزهایی که در گذشته وجود داشته و امتیاز خاصی به بانک‌ها می‌داده دیگر وجود ندارد.»^۲

البته واقعیت این است که با توجه به رابطه مستقیم رشد اقتصادی و رشد تقاضای خدمات مالی که هرچه کشورها رشد بیشتر می‌یابند بازاری وسیع‌تر برای عرضه خدمات مالی به وجود می‌آید (و در نتیجه حد و مرزی ندارد) از یک طرف و همچنین اعتماد و اطمینان مردم به بانک‌ها از طرف دیگر، دو عامل بسیار قوی و تعیین‌کننده جهت حفظ قدرت بانک‌ها و استواری آنها می‌باشند و چنانچه به کارایی عملکرد خود بیافزایند، قوی‌تر خواهند شد. اما وضعیت در ایران چگونه است؟

در ایران، طبق تعریفی که آئین‌نامه مقررات تأسیس و نحوه فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی ارائه داده است، مؤسسه اعتباری غیربانکی، مؤسسه‌ای است که از طریق جذب انواع سپرده‌های مجاز بانکی (به استثناء سپرده‌های قرض الحسنه جاری)، اخذ تسهیلات اعتباری و استفاده از سایر ابزارهای مالی به تجهیز منابع مبادرت نموده و این منابع را به اعطاء تسهیلات اعتباری اختصاص داده و یا به هر نحو دیگری بنا بر تشخیص بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و در چارچوب قانون، آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی عملیات بانکی بدون ربا، واسطه بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان منابع مالی باشد.^۳ این آئین‌نامه در سال ۱۳۷۳ به تصویب نهایی شورای پول و اعتبار رسید و طبق آن فعالیت این مؤسسات منوط به اخذ مجوز از بانک مرکزی گردید و متقاضیان می‌توانستند جهت دریافت مجوز به بانک مرکزی مراجعه نمایند. جالب این‌که گویا در همان هفته اول، ۱۱۷ تقاضای تأسیس به بانک مرکزی رسید.^۴ لیکن متأسفانه پس از گذشت ۵ سال فقط دو مؤسسه موفق به اخذ مجوز شده‌اند. ضمن این‌که مؤسسه اعتباری امین و مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد قبل از این آئین‌نامه

1- The World Bank Economic Review - May 1997 - Vol:11, Number 2 P:2-1.

۲- ماهنامه اتاق - سیستم‌ها جدید اعتباری به جای بانک‌داری سنتی - شماره ۹ - آذر ۱۳۷۷ - ص ۳۴ (به نقل از اکونومیست)

۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - آئین‌نامه مقررات تأسیس و نحوه فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی.

۴- نشریه پیام امروز - مرداد و شهریور ۱۳۷۷ - ص ۱۰۷.

به ثبت رسیده‌اند.

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد در حال حاضر سه مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد، امین و توسعه صنعت ساختمان در نظام مالی کشور فعال می‌باشند که در این میان مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد در سال ۱۳۶۴ به ثبت رسیده است، به عنوان باسابقه‌ترین مؤسسه، با بیش از ۲۳۰ شعبه فعال در سراسر کشور، در کنار شبکه بانکی، انجام وظیفه می‌کند. در حال حاضر بعید است سهم این مؤسسات در جذب سپرده‌های عمومی کشور حتی به ۵/۰ درصد هم برسد.^۱ لازم است شبکه مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی با اندیشیدن تدابیر لازم گسترش باید دلیل مانقشی است که این مؤسسات در افزایش کارایی نظام مالی کشور دارند.

۲-۲- نقش مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی در کارایی نظام مالی کشور

در بخش اول به مشکلات و موانعی اشاره شد که فراروی نظام مالی کشور بوده و آن را ناکارا کرده است. در این قسمت سعی داریم به نقش مثبت این مؤسسات را در برطرف نمودن بعضی از مشکلات عمده یعنی، عدم تشکل بازارهای مالی، فقدان تعدد و تنوع کافی در مؤسسات مالی و اعتباری و همچنین فقدان رقابت در نظام مالی کشور پرداخته و در نتیجه نقش این مؤسسات را در کارایی نظام مالی کشور مشخص نمائیم:

۲-۱- نقش مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی در تشکل بازارهای مالی:

از مشکلات عمده نظام مالی کشور، عدم تشکل بازارهای مالی می‌باشد. وجود موانع و محدودیت‌های قانونی جهت فعالیت رسمی صاحبان سرمایه‌های مالی (به صورت غیربانکی) و وجود انگیزه‌هایی همچون امکان فرار مالیاتی، فقدان ضوابط بروکراتیک، انعطاف در نرخ بهره، میزان وثیقه و نحوه بازپرداخت، عدم زمان بری، عدم نظارت بر مصرف اعتبار در بازارهای غیررسمی و مشکلات متعدد نظام بانکی در پرداخت تسهیلات به بخش خصوصی، باعث شکل‌گیری یک بخش مالی پنهان و فعال که شدیداً بر بازار پول و سرمایه تأثیر گذار می‌باشد، شده است. این بازارها از آنجائی که ماهیت شدیداً پولی داشته و سود مناسبی را نیز عاید صاحبان سرمایه و فعالان این بازار می‌کنند، موجب تضعیف بازار سرمایه می‌شوند و مانع از اثر بخشی مناسب بازارهای مالی بر کل سیستم اقتصاد کشور می‌گردند این مشکل تا بدان حد جدی است که حتی گفته می‌شود، بازارهای مالی در ایران بیش از آن‌که ضعیف باشند، نامتشکل‌اند.^۲

براین اساس وجود مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی از آنجائی که علی‌رغم فعالیت شفاف در

بازارهای مالی رسمی، بسیاری از انگیزه‌هایی که سبب رجوع صاحبان سرمایه و همچنین متقاضیان وام و تسهیلات به بازارهای پنهان می‌شود را دارا می‌باشند، قطعاً نظام مالی کشور را در برطرف نمودن این مشکل یاری خواهند کرد. از یک طرف صاحبان سرمایه با ثبت و تأسیس این مؤسسات امکان فعالیت رسمی را پیدا کرده و به‌طور شفاف وارد بازار می‌شوند و از طرف دیگر متقاضیان تسهیلات با وجوه انگیزه‌هایی همچون هزینه‌های مالی کمتر، فقدان ضوابط بروکراتیک، انعطاف بیشتر در نرخ سود، میزان وثیقه و نحوه بازپرداخت نسبت به نظام بانکی، به این مؤسسات مراجعه خواهند کرد.

۲-۲-۲- نقش مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی در تکمیل نظام مالی کشور

یکی از نقاط ضعف ساختاری در نظام مالی کشور، فقدان تعدد و تنوع کافی در خدمات مالی ارائه شده و همچنین نهادهای مالی و در نتیجه وجود خلاء در این نظام می‌باشد. این مشکل باعث شده است که اولاً بسیاری از خدمات مالی مورد نیاز جهت عملکرد کارا و پویایی سیستم اقتصادی انجام نشده (مثل بهره‌گیری از منافع تمام عقود اسلامی، خدمات درجه‌بندی ریسک، بازسازی و معامله گری) و ثانیاً به دلیل دولتی بودن نظام بانکی و توجه آن (در درجه اول) به ارضاء خواسته‌های بخش دولتی، بخش خصوصی که اتفاقاً کارآمدتر از بخش دولتی می‌باشد از دسترسی مناسب به خدمات مالی محروم گردد. این مشکل نه تنها گریبان‌گیر ایران می‌باشد، بلکه اکثر کشورهای در حالت توسعه نیز از آن رنج می‌برند. اهمیت تکمیل حلقه‌های نهادهای مالی و تعدد آنها به اندازه‌ایست که در ارزیابی درجه رشد یافتگی کشورها و مقایسه آنها با هم، شاخص‌هایی همچون $\frac{\text{تعداد مؤسسات مالی}}{\text{تولید خالص ملی}}$ و $\frac{\text{تعداد مؤسسات مالی}}{\text{تعداد مؤسسات غیرمالی}}$ مورد استفاده قرار می‌گیرند.

طبق نظریه ریبزینسکی (Rybczynski 1985)، کشورهای مختلف جهان را می‌توان برحسب وضعیت مؤسسات مالی، تنوع و تعدد آنها به فازهای سه‌گانه توسعه تقسیم کرد. در فاز اول کشورهای بانک محور (The Bank - oriented phase) قرار دارند. در این کشورها بانک‌ها و تعداد معدودی مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی به انجام خدمات مالی می‌پردازند. در فاز دوم، کشورهای بازار محور (The Market - oriented phase) قرار می‌گیرند. در این کشورها علاوه بر بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی متعددی، تأمین و رفع نیازهای مالی متقاضیان را انجام می‌دهند و فاز سوم به کشورهای کاملاً بازار محور (The Strongly Market - oriented phase) تعلق می‌گیرد که در آنها مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی با تقلیل و توزیع ریسک به عنوان بازارهای تأمین اطمینان فعالیت بازار سرمایه، فعالیت‌های سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌کنند.^۱

۱- جهت اطلاع بیشتر رجوع کنید به:

- منبع شماره ۹

- کدخدایی، حسین - "زمینه‌های تحول مقررات بازار سرمایه" - مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس سیاست‌های پول و

براین اساس ایران در فاز اول توسعه، یعنی کشورهای بانک محور قرار می‌گیرد. لذا ورود مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی به عنوان مکمل بخش بانکی، باعث افزایش تعدد و تنوع در نهادهای مالی و در نتیجه تعدد و تنوع بیشتر خدمات مالی شده و این امکان را به بخش غیردولتی می‌دهد تا هرچه بیشتر از این خدمات بهره‌مند گردد. همچنین به احتمال زیاد این مؤسسات از شبکه بانکی کوچک‌تر و از اکثر صندوق‌های قرض الحسنه و پس‌انداز بزرگ‌تر خواهند بود. بدین ترتیب یکی دیگر از ضعف‌های نظام مالی که کل اقتصاد کشور نیز دچار آن می‌باشد یعنی فقدان بنگاه‌های متوسط تولیدی و خدماتی نیز تا حدودی برطرف شده و در نتیجه کارایی نظام مالی افزایش خواهد یافت.

۲-۳- نقش مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی در نظام مالی از طریق افزایش رقابت:

در بخش اول، فقدان رقابت را به دلیل مشکلات و نقاط ضعف متعددی که در نتیجه آن به وجود آمده است، مهمترین مشکل و دلیل ناکارایی نظام مالی کشور معرفی نمودیم. در این قسمت تأثیر این مؤسسات در افزایش رقابت و در نتیجه افزایش کارایی نظام مالی مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابتدا به رابطه بین رقابت و کارایی را به‌طور خلاصه به شرح ذیل می‌پردازیم:

۲-۳- الف - رابطه رقابت و کارایی:

ارتباط بین کارایی و رقابت به گونه‌ایست که در مباحث اقتصادی مهمترین دست‌آورد "رقابت" را "کارایی" می‌دانند و مهمترین مزیت بازارهای رقابتی را در مقایسه با سایر بازارها (به خصوص بازار انحصاری) کارایی بیشتر، معرفی می‌کنند. نقش و تأثیر مثبت و تعیین کننده رقابت در کارایی آن چنان مورد توافق صاحب نظران می‌باشد که از آن به عنوان یک اصل پذیرفته شده استفاده می‌کنند.

ادوارد گراهام (Edward Graham 1998) اقتصاددان برجسته آمریکایی هدف سیاست‌های رقابتی را در کارایی بیشتر از طریق بهبود ساختار بازارهای مالی و پویا نمودن آن می‌داند.^۱ ویکرز و یارو (Vickers & Yarrow 1991) از برجستگان علم اقتصاد در مباحث خصوصی سازی، پس از انجام تحقیقات و مطالعات گسترده، وجود رابطه مثبت بین افزایش کارایی و فعالیت واحدهای تولیدی کالا و خدمات را در شرایط رقابتی مورد تأیید قرار می‌دهند.^۲

هنگامی که رفتار بنگاه‌های اقتصادی در بازار بر پایه عقلانیت اقتصادی، یعنی کسب حداکثر سود استوار باشد، رقابت بر هر دو حساب تعیین کننده سود (Benefit)، یعنی درآمد (Income) و هزینه (Cost) تأثیر می‌گذارد. از یک طرف بنگاه‌ها می‌کوشند تا حداکثر درآمد را کسب کنند و از طرف دیگر

سعی در کاهش هزینه‌ها و رسیدن به حداقل هزینه را دارند. آنچه حداکثر درآمد بنگاه‌ها را نتیجه می‌دهد، حداکثر فروش می‌باشد. (چراکه بازار رقابتی است و بنگاه تعیین‌کننده قیمت نیست) و حداکثر فروش میسر نیست مگر با تلاش در جهت افزایش کیفیت کالا و خدمات (دقت) و سرعت عمل در ارضاء خواسته مشتری، چراکه وی (مشتری) می‌تواند بنگاه دیگر را انتخاب کند. از سوی دیگر کاهش هزینه نیز عمدتاً با تغییر در تکنیک تولید و نحوه ارائه خدمات و حذف هرگونه هزینه اضافی و غیرمنطقی صورت می‌گیرد. نتیجه تمام این تلاش‌ها، افزایش ابتکارات و نوآوری‌ها و نیل به کارایی بیشتر می‌باشد. بدین ترتیب ساختار بازارها بهبود می‌یابد.^۱ از همین‌رو کرین و اتیر (Kerrin Vautier 1998) اقتصاددان برجسته نیوزلندی، نیوزلندی، رقابت و کارایی را دارای بیشترین سهم در بین نیروها و قوای لازم جهت سازماندهی مناسب بازارها می‌داند.^۲

در بازارهای مالی با وجود رقابت است که خدمات مالی از سرعت و دقت کافی برخوردار بوده و با حداقل هزینه به مشتریان ارائه می‌شود و جایی برای بروکراسی اضافی، هزینه‌های سربار غیرمنطقی ناشی از سازمان‌های عریض و طویل، کندی در اجابت خواسته مشتریان، استفاده از تکنیک‌های ناکارآمد و سایر مواردی که به نحوی کارایی را کاهش می‌دهد، وجود ندارد.

بنابراین به صورت خلاصه افزایش رقابت، افزایش کارایی را در بازارها (از جمله بازارهای مالی) در پی خواهد داشت. این ادعا در تأیید خود عقاید دانشمندان و اقتصاددانان برجسته و به نام مکاتب مختلف اقتصادی (مثل کلاسیک، نئوکلاسیک و اتریش) همچون اسمیت (Smith)، هایک (Hayek)، مک لاپ (Machlup) و... را به همراه دارد.^۳

اما نکته مهم این‌که ایجاد رقابت و در نتیجه افزایش کارایی مستلزم زمینه‌سازی لازم و به عبارت دیگر فراهم آوردن شرایط رقابت می‌باشد. چراکه در غیر این صورت رقابت معنای واقعی خود از دست خواهد داد. هایک (Hayke 1990) اقتصاددانان برجسته مکتب اتریش، بسیاری از شکست‌ها و نارسائی‌های بازار آزاد به دلیل بی‌توجهی به شرایط رقابت می‌داند.^۴ در مکتب وی، شرایط مطلوب برای رقابت، بستر توسعه دانسته می‌شود.^۵ در سایر مکاتب اقتصادی نیز هرجا صحبت از رقابت و مزایای آن به میان می‌آید، شرایط رقابت نیز به عنوان شرط لازم، مطرح می‌شود. این شرایط عبارتند

۱- متوسلی، محمود - "خصوصی سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار" - مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی - سال ۱۳۷۳ - ص ۲۰۱.

2- Vautier, Kerrin - "The Role of Competition Policy and Corporate Governance" Managing Asian Financial Sector Recovery - 1998.

۳- رجوع کنید به منبع شماره ۵۷.

4- Hayek - "Economic Freedom and Representative Government" _ Stephen Littlechild - Vol 111-1990.

۵- منبع شماره ۵۷ - ص ۳۹.

از:

۱- وجود تعداد زیاد عرضه کننده و متقاضی در بازار: این شرط باعث می شود هیچ عرضه کننده و یا متقاضی خاصی نتواند روی بازار تأثیر بگذارد.

۲- در دسترس بودن اطلاعات به صورت شفاف و کافی: با وجود این شرط عرضه کنندگان و متقاضیان از وضعیت قیمت ها و کیفیت کالاها و خدمات موجود در بازار اطلاع داشته می توانند تصمیم گیری کنند.

۳- آزاد بودن ورود و خروج در بازار: تحقق این شرط جابه جایی آزادانه مانع بین کاربردهای مختلف را در بلندمدت ممکن می سازد.

۴- برخورداری همه رقبا از امتیازات یکسان: بین افراد می بایستی رقابتی متقابل وجود داشته باشد و مزیت و ویژه های برای گروهی خاص برقرار نگردد که برای دیگران قابل دسترسی نباشد^۱ رعایت الزامات فوق موجب شکل گیری رقابت سالم در بازارها، از جمله بازارهای مالی می شود و عدم تحقق آنها، به عنوان مانعی در برابر رقابت بوده و در نتیجه، عدم کارایی را به دنبال خواهد داشت.

۲-۲-۳- ب- مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی و رقابت در نظام مالی کشور:

در قسمت قبل از نقش رقابت در افزایش کارایی صحبت شد. حال اگر بتوان گفت ورود مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی به بازارهای مالی، موجب افزایش رقابت در نظام مالی کشور خواهد شد، نقش این مؤسسات در افزایش کارایی از این طریق نیز (افزایش رقابت) مورد تأیید واقع می شود.

در این خصوص باید گفت چنانچه این نظر مورد توافق اقتصاد دانان را، که متعقدند در صورت وجود سایر شرایط رقابت، افزایش تعداد رقبا، به افزایش رقابت خواهد انجامد را بپذیریم،^۲ با ورود مؤسسات مالی و اعتباری به عرصه های فعالیت، در صورت فراهم بودن شرایط یک رقابت سالم، دلیلی بر عدم افزایش رقابت و در نتیجه افزایش کارایی وجود نخواهد داشت. در حقیقت با توجه به وضعیت نظام مالی کشور که در آن تعداد متقاضی، زیاد و تعداد عرضه کننده کم می باشد (توجه داشته باشیم که تنوع عرضه کننده مطرح است) ورود این مؤسسات، تا حدود زیادی شرط اول رقابت یعنی وجود تعداد عرضه کننده و متقاضی را محقق خواهد کرد.

اما همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، از شروط لازم جهت رقابت سالم، برخورداری رقبا از امتیازات یکسان و مشابه می باشد. این شرط بدان معنی است که هیچ عامل بیرونی به طور غیرعادلانه باعث تضعیف گروهی نگشته و موجبات تقویت گروهی دیگر را فراهم نکند.

تحقق این شرط از آنجا که اصولاً رقبا رانت (RENT) طلب می باشند، به خصوص در کشورهای در حال توسعه که گروه های سیاسی دخالت های زیادی در امور اقتصادی دارند (و می دانیم که یکی از

دلایل بروزرانت، دخالت‌های سیاسی می‌باشد)^۱ بسیار مهم و مشکل می‌باشد.

در ایران تعداد زیادی صندوق‌های قرض‌الحسنه و پس‌انداز که در هر دو بازار پول و سرمایه نیز فعال هستند بدون نظارت بانک مرکزی و در نتیجه آزاد از قید و بندهای قانونی و محدودیت‌هایی که بانک مرکزی جهت فعالیت مؤسسات مالی و اعتباری در نظر گرفته است وجود دارند.^۲ از طرف دیگر مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی و بانک‌ها در عرصه رقابت از امتیازات یکسان برخوردار نمی‌باشند. از یک سو محدودیت‌هایی همچون، عدم امکان استفاده از حساب جاری، نرخ سپرده قانونی بالاتر از بانک‌ها، مجاز نبودن این مؤسسات به اعطای تسهیلات بیش از ۱۵ برابر سرمایه (موضوع ماده ۲۰ آئین نامه مقررات تأسیس و نحوه فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی) و مورد قبول نبودن هزینه (سود) تسهیلات دریافتی از این مؤسسات برای متقاضیان از طرف وزارت دارایی و از سوی دیگر الزام بانک‌ها به رعایت تسهیلات تکلیفی مصوب مجلس شورای اسلامی رقابت بین این دو نهاد مالی را نابرابر کرده است. همچنین در خصوص اطلاعات نیز همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، در نظام مالی کشور، ضعف وجود دارد و شرط آزادی ورود و خروج در بازارهای مالی نیز، با توجه به تأخیر بانک مرکزی در ارائه مجوز، محقق نمی‌باشد.

بنابراین با ورود این مؤسسات در بازارهای مالی، چنانچه هرچه بیشتر شرایط رقابت را فراهم کنیم، افزایش رقابت و در نتیجه افزایش کارایی حاصل خواهد شد. در این صورت این مؤسسات که هدف خود را کسب حداکثر سود می‌دانند با وجود زمینه‌هایی همچون، جذب نیروهای متخصص و کارآمد (به دلیل پرداخت حقوق بیشتر، انعطاف بیشتر در پاسخ‌گویی به خواسته مشتریان و فراهم آوردن امکانات چانه‌زنی برای آنها، سرعت عمل بالا و بروکراسی کمتر، انگیزه بالاتر کارکنان و مدیران نسبت به نظام بانکی، متورم نبودن نیروی انسانی و کم بودن هزینه‌های سربار، در تجهیز و پس‌اندازها و تخصیص منابع و عمل به سایر وظایف خود در رقابتی جدی با بانک‌ها قرار گرفته و نظام بانکی نیز در این راستا کاراتر و مالاً رضایت‌مندی مشتریان بیشتر خواهد شد.

۲-۳-ج- عضویت در سازمان تجارت جهانی. مجبوریم رقابت کنیم.

از بحث ضرورت رقابت و اهمیت آن به دلیل نقش مؤثر در افزایش کارایی نظام مالی که بگذریم، آنچه در آینده ما را مجبور به رقابت می‌کند، شرایط اقتصاد بین‌الملل و دورنمای آن می‌باشد. این شرایط به گونه‌ای است که عضویت در WTO (World Trade Organization) دیگر یک انتخاب ساده نیست، بلکه اجبار و ضرورت است. عضویت بیش از ۱۳۸ کشور جهان در این سازمان با سهمی بیش از ۸۰٪ در تجارت بین‌الملل، پیوستن قریب‌الوقوع چندین کشور (مثل چین) و تسهیلات در نظر

۱- منبع شماره ۵۷-ص ۹۴.

۲- صندوق‌های قرض‌الحسنه از سال ۱۳۶۲- با مجوز وزارت کشور فعالیت می‌کنند.

گرفته شده جهت اعضاء در مبادلات تجاری فیما بین ما را مجبور به جدی گرفتن عضویت در این سازمان کرده است لذا در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی (۱۳۷۹-۸۳) که در مرحله تدوین قرار دارد، موضوع پیوستن به WTO مورد توجه قرار گرفته است و همان گونه که می دانیم، آزادسازی مالی (بدین معنی که در بعد داخلی و خارجی تبعیضی بین مؤسسات مالی داخلی و خارجی نباشد)، یکی از شرایط عضویت می باشد. بنابراین اولاً با توجه به نیاز کشور به یک نظام مالی کارآمد و ثانیاً به دلیل عضویت در WTO، مجبوریم رقابت کنیم.

۳-۲- نتایج یک بررسی مقایسه ای:

در این قسمت مناسب است یک بررسی مقایسه ای از رضایت مندی مشتریان بین مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد و سیستم بانکی که با طرح ۱۶ پرسش و پاسخ ۲۱۸۸ نفر از مشتریان این مؤسسه در سراسر کشور در سال ۱۳۷۸ به دست آمده است، آورده شود. با توجه به این که چگونگی پاسخ به سؤالات هیچگونه نفع یا ضرری برای پاسخگو نداشته است (برگه سؤالات بدون نام بوده است) آمار مندرج در جدول شماره ۱ بیانگر رضایت مندی بیشتر مشتریان از مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد نسبت به بانک ها در ارائه خدمات مالی می باشد. بدین ترتیب نقش مثبت مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی در افزایش کارایی نظام مالی کشور از این طریق نیز مورد تأیید قرار می گیرد.

جدول شماره (۱)

نتایج بررسی مقایسه‌ای از رضایت‌مندی مشتریان بین مؤسسه مالی و اعتباری
بنیاد و شبکه بانکی سال ۱۳۷۸ (جامعه آماری: ۲۱۸۸ نفر)

موضوع سؤال	درصد آرا	رای مثبت به مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد (درصد)	رای مثبت به بانک ها (درصد)
سرعت دریافت وام و تسهیلات اعتباری	۹۳	۷	
مناسب بودن سقف وام و تسهیلات اعتباری	۷۰	۳۰	
سهولت در اخذ وثایق	۸۴	۱۶	
تطبیق روش های اجرایی با قانون عملیات بانکی بدون ربا	۶۵	۳۵	
سرعت دریافت وجوه و پرداخت چک	۹۶	۴	
سرعت افتتاح حساب ها	۹۶	۴	
ارائه صورت حساب به مشتری در موعد مناسب	۸۷	۱۳	
سرعت واریز سود سپرده ها به حساب سپرده گذاران	۸۳	۱۷	
نحوه برخورد کارکنان با مشتریان	۹۶	۴	
پایین بودن هزینه ارائه خدمات	۷۹	۲۱	
ارتباط با مشتریان	۹۴	۶	
چگونگی ارائه خدمات مکانیزه	۶۲	۳۸	
سطح رضایت مندی مشتریان در حالت کلی	۸۳	۱۷	

خلاصه و پیشنهاد

خلاصه این‌که نظام مالی ایران با توجه به وجود مشکلات و نقاط ضعف متعدد که عمده‌ترین آنها، عدم استقلال بانک مرکزی، عدم تشکل بازارهای مالی، فقدان تعدد و تنوع کافی در خدمات مالی و نهادهای مالی و فقدان رقابت ناشی از دولتی بودن نظام بانکی و وجود انحصارات و موانع متعدد، کارآمد نمی‌باشد. در این نظام تجهیز و تخصیص منابع فاقد دقت و سرعت لازم بوده و همراه با حداقل هزینه نیست. اطلاعات به طور شفاف و عادلانه توزیع نمی‌شود. توزیع خطر و مدیریت ریسک به درستی صورت نمی‌گیرد و بعضی از خدمات مالی اصلاً ارائه نشده و خدمات مالی ارائه شده نیز به دلیل فقدان در تعدد و تنوع کافی مؤسسات مالی به طور یکسان و عادلانه در دسترس متقاضیان قرار نمی‌گیرد. براین اساس ورود مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی به بازارهای مالی به خاطر نقشی که در تشکل

بازارهای مالی، تکمیل نهادهای مالی و خدمات مالی و افزایش رقابت دارند، به شرط برقراری شرایط رقابت سالم، کارایی را در نظام مالی کشور افزایش می‌دهند. نتایج یک بررسی مقایسه‌ای نشان دهنده سطح رضایت‌مندی بیشتر مشتریان از مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد (به عنوان نمونه‌ای از این مؤسسات) نسبت به شبکه بانکی در ارائه خدمات مالی می‌باشد.

بنابراین پیشنهاد می‌شود:

۱- بانک مرکزی ضمن تسهیل در ورود و خروج این مؤسسات به بازارهای مالی، شرایط انجام رقابت سالم را در برخورداری مؤسسات مالی از مزایای یکسان فراهم آورد. در این راستا لازم است فعالیت صندوق‌های قرض الحسنه نیز تحت نظارت این بانک قرار بگیرد.

۲- با تقویت نظام اطلاع رسانی شرایط برخورداری افراد مختلف از اطلاعات شفاف و یکسان فراهم شود.

۳- با کاهش دخالت‌های سیاسی نیروهای متخصص در زمینه مدیریت ریسک و تقویت سیستم بیمه‌های مالی شرایط توزیع بهینه و خطر و مدیریت ریسک فراهم شود.

۴- مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی ضمن رعایت محافظه کاری در فعالیت‌های خود، با استفاده از روش‌های جدید در مدیریت و ارائه خدمات مالی و همچنین جذب پس‌اندازهای مردمی از طریق سیستم‌های تشویقی و صحیح و انجام همکاری‌های لازم با بانک مرکزی در ارائه مشکلات و محدودیت‌ها زمینه تقویت هرچه بیشتر خود را فراهم آوردند.